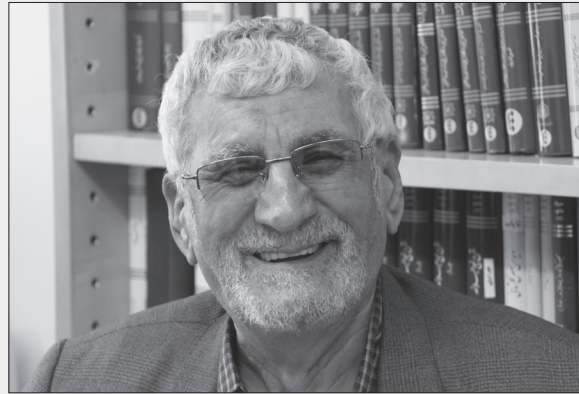


شیدای فرهنگ و زبان فارسی

(در رثای استاد مصطفی ذاکری)

اکبر ایرانی



از شمار دو چشم یک تن کم

وز شمار خرد هزاران بیش

نقدهایی که می‌نوشتند دیدگاه‌های ایدئولوژیک خود را هم مطرح می‌کردند؛ اما با اینکه واقعاً من استفاده می‌کردم، ناچار بودم بخاطر عدم ارتباط با موضوع اصلی آن را به بایگانی بسپارم. با این حال هیچ‌گاه از این رفتار و پراستارانه بنده و همکارانم نمی‌رنجیدند. همواره روحیه‌ای شاد و لبی خندان داشتند. بذله‌گو و شوخ‌طبع و محفل‌آرای جمع افسرده‌حالان دانش و فرهنگ بودند. خاطرات ذی‌قیمتی داشتند که شنونده از هم‌نشینی با او همواره مبتهج و شاد بود. شوق زاید الوصفی به مطالعه داشتند. جزء اولین کسانی بودند که وقتی وارد دفتر میراث مکتوب می‌شدند سراغ کتابهای تازه یا نشریات جدید را می‌گرفتند. از مقالات خود هم برای دوستانشان کپی تهیه می‌کردند و برای مطالعه به آنها اهدا می‌کردند و مرتب پیگیر بودند که آیا مقاله مرا خواندید و نظری دارید؟ به معنای حقیقی شیفته و شیدای مطالعه و تحقیق بودند. در جلسات میراث، با وجود پادردی که داشتند، از کرج تشریف می‌آوردند و عصازنان وارد می‌شدند و با صدای بلند سلام و علیک می‌کردند. راضی نمی‌شدند که برای ایشان آژانسی بگیریم ولی با هر زحمت و مشقتی که راه و سفر بر او تحمیل می‌کرد، تمام جلسات ماهانه چهارشنبه‌های میراث را شرکت می‌کردند. طبعاً می‌دانم که هر چهارشنبه آخر ماه دلم برای او و صدای گرمش و تق‌تق عصایش تنگ خواهد شد و نیز برای نازک‌گویی‌های او.

فرزندش زنگ زد. فهمیدم چه می‌خواهد بگوید؛ چون اولین باری بود که به من تلفن می‌کرد و خبر درگذشت پدر را داد. گفت در خانه ما گاهی نام شما را می‌بردند و زنگ زدیم تا شما را هم از این ضایعه در دناک خبر کنیم. او می‌گفت و من در بهت و حیرت مانده بودم؛ در سکون و سکوت، و قادر به صحبت نبودم. گفت دیشب خیلی سرحال و خوشحال بود و از هیچ بیماری و دردی هم شکایت نداشت و سالم بود و تندرست. ساعت سه بامداد شنبه، پنجم تیرماه، تازه برات

زمان آشنایی و ارادت من با دکتر مصطفی ذاکری به اول دهه هشتاد بر می‌گردد. در سال ۸۲ دو مقاله مبسوط، درباره ریشه‌شناسی اصطلاحات شطرنج که در نامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ شده بود، از ایشان خواندم. دقت نظر و تتبع ایشان در باب اصطلاحات و مفاهیم و معانی شطرنج موجب شد که ایشان را به همکاری با میراث مکتوب دعوت کنم. البته قبلاً در آینه میراث مقاله‌ای شبیه آنچه دکتر ذاکری کار کرده بودند از استاد پرویز اذکایی با مقدمه‌ای در باب نظرات فقهی و تحلیل آنها از خودم چاپ کرده بودیم.

اشتیاق ایشان به همکاری با میراث مکتوب بالا گرفت. در داوری کتبی که برای چاپ خدمتشان می‌فرستادیم همکاری می‌کردند. تنها کسی بودند که به جرأت می‌توانم بگویم که معرفی دانشنامه‌ها و فرهنگها و دایرةالمعارفها را به ایشان می‌سپردم. البته گاه از سر دلسوزی‌های خاصی که داشتند عنان قلم از کفشان می‌رفت و مطالب دیگری بدان می‌افزودند، زیرا در زمینه‌های مختلف ادبی، تاریخی، دینی، فلسفی و کلامی اطلاعات خوبی داشتند. انسانی مؤمن و دیندار بودند. برای همین گاهی در

شناخت تقویم و آیین‌های ایرانی و

شاید اولین مقاله‌ای که برای آینه میراث نوشتند نقدی بود بر چاپ منطق الطیر عطار و بعد بر کشف‌المحجوب هجویری تصحیح دکتر محمود عابدی. بعد نقدی بر ذیل فرهنگ‌های فارسی تصحیح دکتر علی رواقی، و نیز مقاله تاریخچه علوم بلاغی. سپس در گزارش میراث نقدی بر دانشنامه جهان اسلام جلد ۱۴، نقد تصحیح جدید بیان‌الادیان، معرفی علی‌نامه منظومه‌ای حماسی از قرن پنجم، نقد خلاصه‌الاشعار بخش شعرای شیراز چاپ میراث مکتوب، نقد دانشنامه فرهنگ مردم ایران و چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید در نقدنویسی دستی پرتوان و شهامتی ستودنی داشت. ایشان سال‌ها فرهنگ توصیفی مفاهیم اصطلاحات زبان فارسی را تألیف کرده بودند که خود دانشنامه‌ای ارزشمند می‌مانست. برای چاپش به چند جا مراجعه کردند، اما کسی از کوشش ایشان حمایت نکرد و این فرهنگ ۵-۶ جلدی مجال چاپ نیافت. «صبر بسیار نباید پدر پیر فلک را / تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید». اینجانب در گذشت این دانشمند پرتلاش و علم‌دوست و متعهد و مؤمن و دلسوز فرهنگ اسلامی را به اهل قلم و فرهنگ و دانش و فضیلت خاصه خانواده محترمشان تسلیت می‌گویم و برای آن فرزانه وارسته آرزوی غفران الهی و سکنی در جوار اولیای مقرب درگاه حضرت حق را دارم. رحمة الله علیه رحمة واسعة بمنّه و کرمه.

شب قدر را از دست همو که برایش قلم می‌زد و از ایمان و باورهایش برایش می‌گفت دریافت کرد. از شناختی که من نسبت به او داشتم واقعاً لیاقت لقای حضرت حق را در چنین شبی داشت. دکتر مرحوم مصطفی ذاکری در لندن زبانهای باستانی و فارسی میانه را گذراند. به نظرم به دلایلی موفق به اخذ دکترای خود نشد یا من خبر ندارم. بعد کارمند بیمه شد. اما پیوسته در دانشگاه‌های شهید بهشتی و علوم قضایی و آزاد کرج تدریس می‌کرد. شعر خوب می‌گفت و گاهی از کتاب کرشمه وصال که دیوان شعری او بود در جمع دوستداران میراث مکتوب قرائت می‌کرد. وی آثاری را تألیف و تحقیق کرد که از آن جمله می‌توان از کتب ذیل یاد کرد: اتباع و مهملات در زبان فارسی، پیامبر رحمت، شیخ بهایی، مسیحیت و اسلام، نکته‌ها از گفته‌ها، آرامش در توفان، و آیات در خشان. وی از سال ۱۳۴۰ در مجله ارمغان شروع به نوشتن کرد. در ۱۳۷۲ در نشریه معارف و بعد در نشر دانش، از نشریات مرکز نشر دانشگاهی به مدیریت دکتر پورجوادی و همزمان در نامه فرهنگستان مقالاتی چون مغان و نقش آنان در فرهنگ ایران زمین، نقدی بر ترجمه کتاب زبان، تاریخچه ابجد و حساب جمل در شعر فارسی، ملاحظات درباره کتاب حساب جمل در شعر فارسی، گنج واژه، شگردهای نامآلوف در شعر فارسی، زبان بلوچی و آینده آن، مجموعه کتیبه‌های ایرانی، زبان کردی سورانی، مسائل تاریخی زبان فارسی، مناجاتهای منظوم فارسی، گنجنامه‌های فارسی، در